

**جنبش اصلاح
واردات
اگر همراه
با کانالیزه
کردن
نقدینگی در
مسیر واردات
کالاهای
واسطه ای
تولید و
ماشین آلات
و تلاش
در جهت
بومی سازی
تکنولوژی
تولید باشد
طبیعتاً
روند بهتری
را شاهد
خواهیم بود**

مصاحبه ماهنامه تولید مصرف با اجلالی مدیر شرکت ایران ذوب

اقتصاد ایران، بیمار و ناتوان



اشاره: شرکت ایران ذوب یکی از واحدهای تولید است که در اکثر مراسم اهداء لوح جایگاه ویژه ای را در حلول سال گذشته به لحاظ کمی و کیفی تولید کسب کرده است

● اصلی ترین مشکل حوزه کار و صنعت شما چیست؟

اقتصاد کشور، بیمار و ناتوان است؛ بیمار است برای اینکه با عارضه‌هایی نظیر نرخ تورم بالا، بیکاری، نظام پولی و بانکی ناکارآمد؛ بهره‌وری پایین، نرخ ارز، سیاست‌های متغیر دولت در بحث مالیات و قانون کار دست به گریبان است و ناتوان است چون تولید داخلی در مقابل واردات بی‌رویه کالا، خلع سلاح شده است.

«مشکل اصلی ما، بینش و باورهای ناصحیح» است که اقتصاد ملی را با کسب درآمد برای دولت اشتباه گرفته، در حالیکه اگر باورها و بینش‌های دولتمردان و نمایندگان ملت در جهت تحقق شعار «صنعت، محور توسعه اقتصادی» حرکت کند، شاهد بهبود وضعیت اقتصادی و صنعتی کشور خواهیم بود.

اگر همچنان حل مسائل را در شعارها جستجو کنیم، و به تولید داخلی بهای لازم داده نشود، نه تنها شاهد رشد اقتصادی نخواهیم بود، بلکه هر روز با واحدهایی که بنا به شرایط موجود مجبور به تعطیلی خواهند بود مواجه می‌گردیم. امیدواریم با کارشناسی، این عارضه شناسایی و به طور صحیح برطرف شود.

از جمله اصلی ترین مشکلات صنعت ریخته‌گری می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

تکنولوژی و افزایش سهم بالاسری تولید

• عدم کنترل خروج مواد اولیه از کشور (بعنوان مثال قراضه یا مواد اولیه تولید فرآلیاژها) که باعث بروز مشکل در تأمین مواد اولیه در صنعت ریخته‌گری شده است.

• عدم نظارت بر واردات کالای خارجی توسط واردکنندگان و واسطه‌هایی که فقط به سود کوتاه مدت خود می‌اندیشند.

• نبود فرهنگ اعتماد به کالای داخلی در حوزه مصرف‌کنندگان کلان (مثلاً در صنایع نفت مرسوم است که کالاها بایستی مارک خارجی داشته باشند) با توجه به اینکه بیش از ۸۵ درصد صنایع بزرگ کشور دولتی هستند، مؤلف نمودن آنها به خرید

• عدم وجود افق روشن برای سرمایه‌گذاری در صنعت ریخته‌گری که به عنوان مادر صنایع فلزی و آغازگر راه تولید قطعات، تجهیزات و ماشین‌آلات صنعتی است. کاهش سرمایه‌گذاری در این صنعت در کاهش رشد صنایع دیگر نیز تأثیرگذار می‌باشد. علل اصلی این کاهش عبارتند از:

• کاهش سطح تولید داخلی به علت مشکلات گریبانگیر صنایع

• عدم نوسازی صنایع و به روزرسانی تکنولوژی‌های تولیدی به دلیل کاهش حجم تولید

• کاهش تحقیقات کاربردی و عدم ارتباط مؤثر صنعت و دانشگاه

• افزایش قیمت تمام‌شده محصولات به دلیل کاهش سطح





کالای داخلی و اعتماد به آن می تواند زمینه ساز بهبود باشد.

• عدم وجود فضای مناسب جهت مشارکت با شرکت های سرمایه بین المللی، که امکان توسعه بیشتر این صنعت را به وجود می آورد، که متأسفانه تاکنون چشم انداز روشنی در این زمینه وجود نداشته است.

● نقش تشکل های صنفی و صنعتی را در برطرف کردن این مشکلات چگونه ارزیابی می کنید؟

یکی از مسائل مهمی که نباید از آن غافل شد. نقش حساس صنعتگران در توسعه که زیرساخت های کشور است که آیندگان نیز از آن منتفع می شوند. امید است به زودی همه ارکان نظام اعم از دولت، مجلس و ملت دربایند که "راه توسعه فقط از مسیر تولید می گذرد و بس".

تشکل های صنفی و صنعتی می توانند منتقل کننده نظرات تولیدکنندگان در تخصص های مختلف به مسئولان باشند. ارتقاء سطوح علمی و تجربی تولیدکنندگان صنعتی و بالطبع افزایش کیفیت خدمات و محصولات تولیدی، حفظ منافع اعضا و اتخاذ راهکارهای مناسب، افزایش و توسعه بعد حمایتی و نظارتی به همراه تعامل، همفکری، تبادل اطلاعات، بهره مندی از توانمندی سایر تولیدکنندگان و مهمتر از همه استفاده از تجارب مدیران و تولیدکنندگان پیشکسوت از دیگر فواید این تشکل ها هستند.

● با توجه به راهبرد جنبش ضد واردات که از سوی خانه صنعت و معدن طرح و به مرحله اجرا رسیده است این حرکت را چگونه ارزیابی می کنید؟

نمی توان گفت جنبش ضد واردات، بلکه بهتر است اصلاح کنیم و بگوئیم: "واردات مواد اولیه،

صادرات کالای ساخته شده"

متأسفانه قوانین و سیاست های کشور ما بیشتر بر پایه واردات کالای مصرفی استوار هستند و کمتر از صادرات حمایت می کنند. صادرات ما عمدتاً مواد اولیه، مواد خام، مواد معدنی و یا فرآورده هایی با ریشه نفت می باشند. از سوی دیگر، هزینه های تولید به شدت افزایش یافته است.

واردات به خصوص واردات کالاهای بی کیفیتی که نمونه بهتر آن در کشور تولید می شوند درد اصلی تولید در کشور ما است. جنبش اصلاح واردات اگر همراه با کانالیزه کردن نقدینگی در مسیر واردات کالاهای واسطه ای تولید و ماشین آلات و تلاش در جهت بومی سازی تکنولوژی تولید باشد طبیعتاً روند بهتری را شاهد خواهیم بود. در حال حاضر الگوی مصرف در کشور ما به نوعی در جهت مصرف گرایی کالاهای خارجی تغییر کرده که با فرهنگ سازی و سیاستگذاری صحیح بایستی به سمت مصرف کالای ایرانی هدایت شود. افزایش سیستم های حمایت از تولید داخل با رویکرد ارتقاء کیفی محصولات روندی است که باعث شکوفائی مصرف کالای داخلی می شود. کنترل واردات در کنار بهبود وضعیت نقدینگی می تواند امید را در تولید داخل افزایش داده و باعث جذب سرمایه گذاری ها و خروج از رکود کنونی تولید داخلی باشد. و این در شرایطی محقق می گردد که اعتقاد به شعار "تولید ملی، افتخار ملی" در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های کلان کشور منظور گردد.

● فرار سرمایه چه لطمه ای به تولید و صنعت کشور وارد می کند؟

فرار سرمایه به معنای عدم اعتماد به آینده اقتصادی کشور است که در جستجوی فضای مناسب سرمایه

گذاری می باشد.

فرار سرمایه، نشانگر توانایی های بالقوه از دست رفته در جاده رشد و توسعه اقتصادی است که دستخوش عواملی چون کاهش توانمندی نظام بانکی، کاهش توجه پذیری سرمایه گذاری است که منجر به کاهش گردش اقتصادی، کاهش اشتغال پایدار و افزایش فقر که حتی موجب کاهش در کسب مالیات داخلی و توزیع مجدد آن در جامعه می گردد. اشتباهات سیاستگذاری در اقتصاد کلان، نارسایی های سیاست ارزی، کسری مالی، کاهش فرصت های مناسب و سودآور سرمایه گذاری در اقتصاد داخلی به علاوه عوامل دیگری چون فساد مالی و ریسک های سیاسی، همگی به فرار سرمایه دامن می زنند.

عدم حمایت واقعی از سرمایه گذاری در بخش تولید، عدم امنیت سرمایه گذاری، درآمدهای ناشی از رانت خواری و فساد اقتصادی و درآمدهای بادآورده، به عنوان مثال افزایش ناگهانی قیمت زمین، که باعث درآمد زیادی برای افرادی گردیده، که این نوع دارایی های سهل الوصول میل به گریز جهت تطهیر خود دارد.

وجود نیروهای جوان، باهوش و کاردان از یک سو، و تقاضای سرمایه گذاری، ایجاد فضای مناسب در سایر کشورهای جهان، و تبلیغات گسترده آنها برای جذب نخبگان و سرمایه گذاران به هر طریق ممکن از سوی دیگر، باعث میل به خروج از کشور، یعنی فرار سرمایه های مادی و معنوی می گردد.

از مهمترین تبعات فرار سرمایه و به تبع کاهش سرمایه گذاری خارجی، کاهش توسعه اقتصادی می باشد. به عبارت دیگر مشکلات اشتغال، کاهش درآمد ملی، افزایش مشکلات اجتماعی و ... را در پی دارد.

فرار سرمایه، نشانگر توانایی های بالقوه از دست رفته در جاده رشد و توسعه اقتصادی است

